

سیاست‌گذاری‌های خود مورد توجه قرار دهد و بسترهای دستیابی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه را فراهم کند (افضلی و کیانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)، اما به دلیل نداشتن نخبگان مصمم به توسعه، این مهم رخ نداده است.

در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) نیز، حجم کل صادرات کشور به ۱۷۰ هزار و ۲۴۳ میلیون دلار رسید که از این بین سهم فرآورده‌های حاصل از نفت حدود ۵۳ هزار و ۸۸۷ میلیون دلار است. هرچند که در برنامه توسعه پنجم، صادرات غیرنفتی حدود ۲۰۸ میلیارد دلار پیش بینی شده بود (<http://www.tpo.ir>)، عملکرد دولت در این سال‌ها چندان موفق نبود و حدود ۵۵ درصد صادرات غیرنفتی در بخش کالا محقق شد. البته باید به نقش تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات بانکی هم اشاره کرد که مانع از تسهیل مراودات تجاری ایران با شرکایش شد. تحریم‌های بانکی بیشترین تأثیر منفی را بر تجارت داشته است. به‌ویژه از زمانی که سیاست‌های تحریمی آمریکا، با همراهی فزاینده اتحادیه اروپا و سایر مجامع و مؤسسات بین‌المللی نظیر «سوئیفت» همراه بوده است (موسوی شفاغی و نقدی، ۱۳۹۴: ۳۳).

همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد هیچ‌گاه تراز تجاری کشور مثبت نبوده است و همواره کشور شاهد کسری تجاری است. سال‌هایی که میزان واردات کم بود نه به خاطر رویکرد توسعه‌ای دولت؛ بلکه این کاهش، ناشی از نبود ارز لازم برای خرید و واردات و سیاست‌های تحریمی آمریکا و اروپا بوده است. دولت، با سیاست‌های ارزی مناسب _همان‌طوری که در دولت‌های توسعه‌گرا دنبال شد_ می‌توانست رقابت‌پذیری تولید و وضعیت تراز تجاری کشور را بهبود بخشد، اما این امر اتفاق نیفتاد. به‌طوری‌که در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۷، سیاست‌های ارزی دولت به‌جای آنکه تسهیل‌کننده تولید و صادرات باشد و بتواند نقش بسترسازی خودش را برای تولید و ارتقای صادرات به نمایش بگذارد، بیشتر به ضرر صادرات بوده است. چراکه در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ بخش‌نامه‌ای از سوی دولت منتشر شد که در این بخش‌نامه، صادرکنندگان مکلف شدند تا ارزهای